

«ایران در زمان ساسانیان» به‌روایت «آرتور»



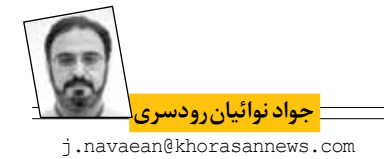
مطالعه درباره تاریخ ایران باستان، همواره با محدودیت‌های مربوط به منابع قابل اعتماد روبه‌روست. گزارش‌های مربوط به این دوره از تاریخ کشور ما، عموماً از منابع

غیر ایرانی، به‌ویژه رومی و یونانی و نیز، کتیبه‌های باقی مانده و برخی اشارات در آثار نویسندگان ایران دوره اسلامی به دست می‌آید. با وجود آن که شواهد نشان می‌دهد آثار مربوط به دوره تاریخی پیش از اسلام، در این ایران وجود داشت، اما به دلایل مختلف، معدودی از آن‌ها به دست ما رسیده است. به همین دلیل، پژوهش در این عرصه سختی‌های خودش را دارد. در میان سه دودمان ایرانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی که در این دوره تاریخی بر سرزمین ما حکم رانده‌اند، تاریخ ساسانیان به دلیل تأخر زمانی، بیش از دو سلسله دیگر قابل مطالعه است. آرتور کریستین سن، ایران‌شناس دانمارکی، با استناد به اسناد و نوشته‌های باقی مانده از دوره ساسانی و نیز گزارش‌های نویسندگان دوره اسلامی، کتاب «ایران در زمان ساسانیان»، را تألیف کرده است. تألیف این اثر ۳۰ سال طول کشید و در نهایت، در سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴ ه.ش) منتشر شد. به فاصله کوتاهی پس از انتشار کتاب، کار ترجمه آن توسط زنده‌یاد رشید یاسمی انجام گرفت و هنوز هم، ترجمه آن مرحوم، تنها ترجمه قابل مراجعه به زبان فارسی محسوب می‌شود. کتاب «ایران در زمان ساسانیان»، تنها تاریخ‌شاهان این دودمان را در بر نمی‌گیرد؛ این کتاب مشحون از روایت‌ها و استناداتی است که می‌تواند نشانی از شرایط اعتقادی و اجتماعی این دوره از تاریخ ایران، به دست دهد. کریستین سن در بخش مهمی از کتاب خود، مستنداتی از تاریخ راستان را ارائه می‌کند، چرا که این ناحیه، بخشی از قلمرو ایران بزرگ محسوب می‌شد و برخلاف مناطق مرکزی، بایگانی‌های حکومتی آن، محفوظ مانده و در دسترس است. این گزارش، البته تنها به دوره ساسانی محدود نیست و بخشی از تاریخ دوره اشکانی را هم در بر می‌گیرد و می‌توان با مطالعه آن، شمایی از تاریخ سلطنت و روش‌های حکومتی این دودمان را هم بازشناسی کرد. همان‌طور که اشاره شد، کریستین سن افزون بر ساختارهای حکومتی و اجتماعی، رویکرد دقیقی به مباحث اعتقادی دارد. او شرحی مبسوط درباره مانی و آیین او ارائه و گزارش مفصل از مزداک و اعتقادات وی عرضه می‌کند. مطالعه این کتاب، برای علاقه‌مندان به آشنایی با تاریخ دوره ساسانی، این مزیت را دارد که می‌تواند مجموعه کاملی از منابع قابل استناد را به آن‌ها معرفی کند. با این حال، برخی از استادان تاریخ معتقد هستند که بخشی از اطلاعات ارائه‌شده در کتاب، صرفاً دیدگاه‌های نویسنده است و نمی‌توان برای آن‌ها، دلیل متقنی ایجاد کرد. برخی دیگر نیز، قدیمی بودن اثر و کشف شواهد جدید تاریخی طی نیم قرن اخیر را، دلیل سطح پایین اعتبار کتاب فرض کرده‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد کتاب «ایران در زمان ساسانیان»، هم‌اکنون، تنها اثری باشد که بتوان با مطالعه آن، تصویری جامع از اوضاع و احوال ایران در دوره ساسانی به دست آورد.



رازگشایی از معمای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰

در پی ورود نیروهای متفقین به کشور ما، در سوم شهریور ۱۳۲۰، دیکتاتوری ۱۶ ساله رضاشاه سقوط کرد و ارتش ک‌ه‌وی مدعی بود در دیفارتش‌های قدرتمند دنیا قرار دارد، در عرض چند روز فروپاشید. در این نوشتار، روایتی از چگونگی این سقوط رانقل و دلایل آن را بررسی کرده‌ایم



جواد نوا‌ئی‌ان رودسری

j.navaean@khorasannews.com

شوروی از شمال و شمال شرق و انگلیسی‌ها از جنوب، وارد خاک ایران شدند. بهانه آن‌ها برای اشغال ایران، حضور پرتعداد کارشناسان آلمانی بود. با این حال همه می‌دانستند که علت اصلی حمله به ایران، نیاز شوروی به کمک‌های آمریکا و انگلیس برای مقابله با آلمان است. نیروهای هیتلر به نزدیکی مسکو رسیدهبودند و تأخیر در کمک‌رسانی به شوروی، باعث تسلط نیروهای آلمان بر شریان‌های نفتی و محورهای راهبردی قفقاز می‌شد. آیراضاشاه از حمله قریب الوقوع به ایران آگاه بود؟ به نظر چنین می‌رسد که فرمان فرماندهان ترسو و فراری‌شان، بلکه با اتکا به شجاعت و میهن‌دوستی خود، دست به این اقدام زدند. اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، فقط یک اتفاق نظامی نبود؛ در عرصه سیاسی نیز، ایران دستخوش تغییرات فراوان شد. هرچند که حضور نیروهای نظامی بیگانه و شرایط جنگی، برای مدتی وضعیت ناخوشایندی را به ایرانیان تحمیل و دیکنه می‌کرد اما با وجود این، پس از حدود ۱۶ سال، فضای سیاسی ایران شاهد تحركات و تکیو‌هایی بود که می‌توانست یادآور روزهای پرفروغ عصر مشروطه باشد. فرار رضاشاه به عنوان یک نقطه عطف در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران تلقی می‌شد؛ به ناگاه زندان اختناق‌پهلوی که دیوارهای بلندش غیرقابل عبور به نظر می‌رسید، فرو ریخت و فضایی دگرگون‌رپیش روی مردم ایران قرار داد. از این رو، روایت ما از آن اتفاق، به معنای محیط کردن کل ماجرا در یک واقعه تاریخی و اشغال سرزمینی نیست؛ باید ابعاد دیگر این ماجرا را دید، ماجرای که عبرت‌های فراوانش با هزینه سنگینی که پدران ما پرداختند، حاصل شده است.

■ آغاز یک اشغالگری

سپیده دم روز سوم شهریور سال ۱۳۲۰، قوای

۶۶

ریچارد استوارت، در کتاب «آخرین

روزهای رضاشاه» می‌نویسد: «در

گنبد کاووس، سرهنگ هنجنی،

فرمانده هنگ بیست و سوم سوار، از

قرارگاه لشکر گران دستور دریافت

کرد که بی درنگ به شاهرو د عقب

نشینی کند... دستور عقب‌نشینی

آثار سوئی بر سربازان داشت. بعضی

از سربازان به دلیل این که ناچار

بودند، بدون جنگیدن، عقب‌نشینی

کنند، می‌گریستند.»

■ سقوط شمال

بخشی از ناوگان جنگی شوروی، خود را به

حاشیه سواحل شمالی ایران رساند. ساعت

۸ صبح روز سوم شهریور، دریابان سدنلیکوف،

فرمان شلیک به کرانه‌های ساحلی بندرانزلی

را صادر کرد. نیروی دریایی ایران که به شدت

غافلگیر شده بود، تلاش کرد نیروهای خود

را سازمان دهی کند اما توفیقی در این کار

نداشت. با این حال، تعدادی از سربازان و

افسران ایرانی به مقابله پرداختند با نیروهای

شوروی پرداختند. پایمردی این گروه از

نظامیان، مؤقتاً، اووردنیروی مهاجررا بست؛

اما به دلیل فرار فرماندهان نظامی، مقاومت

دوامی پیدا نکرد و سازمان نیروهای ایرانی به

سرعت از هم‌پاشید. همزمان، یگان‌های ارتش

شوروی وارد آذربایجان و خراسان شدند.

شهرهای هر دو منطقه به شدت بمباران شد.

در نخستین ساعات بامداد روز چهارم شهریور،

سرهنگ شیبیانی و تعدادی از خلبانان نیروهای

هوایی مستقر در تبریز، با هواپیماهای دوباله

هنگ دوم هوایی ایران به زنجان گریختند.

شیبانی و نیروهایش پس از سوخت‌گیری به

سمت تهران فرار کردند. در ۱۵۰ کیلومتری

شرق تبریز، نیروهای لشکر پانزدهم، مستقر

در اردبیل، به دستور سر تیپ قادری فرمانده

لشکر، برای دفاع از گردنه «صائین» به سمت

این منطقه حرکت کردند؛ اما پس از رسیدن

به مقصد فهمیدند که سر تیپ قادری به نقطه

نامعلومی گریخته است؛ سربازان گرسنه و

خسته، چاره‌ای جز عقب‌نشینی نداشتند.

در ۱۰۰ کیلومتری جنوب تبریز، فرماندهان

لشکر سوم، نیروهای خود را رها کرده و

گریخته بودند. سربازان ایرانی در سواحل

دریاچه ارومیه، سرگردان، گرسنه و خسته،

هدف حمله هواپیماهای شوروی قرار گرفتند

و تعداد زیادی از آن‌ها شهید شدند. در مشهد

اوضاع وخیم تر بود. یگان موتوریزه لشکر

خراسان به دستور سر لشکر محتشمی، مأمور

محافظت از گردنه مزدوران شد. دوروز از

حمله متفقین می‌گذشت، اما اعلامیه ملو

از لاف و ادعاهای گراف ستاد ارتش، دردی

از نیروهای لشکر خراسان دوانمی کرد. خبر

ورود نیروهای شوروی به خراسان، مشهد را در

هرج و مرج شدیدی فرو برد. مردم سراسیمه،

با هر وسیله ممکن، به سمت بیلاقات اطراف

می‌گریختند. شهر انتظام خود را از دست

داده بود. ساعت ۹ بامداد روز ۴ شهریور، ۳۵

فروند هواپیمای شوروی، مشهد را بمباران

کردند. لشکر خراسان چنان از هم‌پاشید که

او دست به دامن آمریکایی‌ها شد تا برای حل

مشکل میانجیگری کنند، اما روزولت در پاسخ

به استمداد او به صراحت اعلام کرد: «هدف

بریتانیا، هدف ماست.» شاه ۸ شهریور ماه

۱۳۲۰، تصمیم به فرار گرفت. او فرمان ترک

مخاصمه را صادر کرده بود. با صدور این فرمان،

ارتشی که رضاشاه آن را وسیله تحقق ثبات و

استقلال ایران معرفی و سرمایه هنگفتی را به

خرج آن کرده بود، طی کمتر از چهار روز از هم

پاشید. پهلوی اول که نگران بود توسط نیروهای

شوروی اسیر شود، خود را تسلیم انگلیسی‌ها

کرد و به سمت اصفهان گریخت. در همین

شهر بود که تمام اموالی را که طی دوران ۱۶

ساله دیکتاتوری اش به چنگ آورده بود، در

ازای یک سرب نرات، به محمدرضا پهلوی هبه

کرد؛ رضاشاه که حدود ۲۰ سال قبل، در زمان

کودتای سیدضیاالدین طباطبایی، مال و

اموالی نداشت، در لحظه خروج از ایران، مالک

۶۸۰ میلیون ریال وجه نقد و بیش از ۵ هزار و

۲۰۰ پارچه ملک و آبادی در سراسر کشور بود.

این اموال، غیر از جواهرات سلطنتی است که

پس از تصاحب حکومت ایران، از خزانه قاجارها

به دست آورده بود.

■ جنوب زیر آتش انگلیسی

انگلیسی‌ها هم‌زمان با شوروی، نیروهای

خود را در بندر ماهشهر، خرمشهر و آبادان

پیاده کردند. دریادار بایندر، فرمانده نیروی

دریایی، کوشید راه آن‌ها را سد کند، اما ناو او

هدف گلوله‌های ناوگان انگلیس قرار گرفت

و بایندر به همراه یکی از معاونانش شهید شد.

ستون نظامی انگلیس، متشکل از لشکر نهم

هندی و تعدادی از واحدهای مکانیزه، به سمت

اهواز حرکت کرد. با فرار فرماندهان نیروهای

ایرانی به سمت «خسر و آباد» عقب‌نشینی

کردند. تلفات سنگین بود؛ کمبود مواد غذایی

و گرمای هوا، بسیاری از سربازان را ز یاد رآورد.

انگلیسی‌ها به سرعت پیشروی کردند؛ اما در

۴۵۰ کیلومتری شمال اهواز با مقاومت شدید

واحدهایی از ارتش ایران روبه‌رو شدند؛ با این

حال، گرسنگی و کمبود مهمات، اجازه مقاومت

بیشتر را به نیروهای ایرانی نداد. نیروی هوایی

انگلیس به نیروهای ایرانی حمله کرد و ده‌ها

سرباز ایرانی شهید شدند. با شکسته شدن

مقاومت، نیروهای انگلیسی خود را به کرمانشاه

رساندند و هم‌زمان به پیشروی در عمق خاک

ایران ادامه دادند.

■ فقط یک مقاومت ظاهری!

دولشکر مستقر در تهران، به دستور شاه، در شرق

و غرب شهر موضع گرفتند. ریچارد استوارت می

نویسد: «واحدهای گشتی، اتومبیل‌های شخصی

را برای استفاده نظامی مصادره می‌کردند ولی

هیچ دستورالعمل عملیاتی به واحدهای مستقر

در خط مقدم جبهه داده نشده بود. تنها دستور

که به فرماندهان نظامی خارج از مرکز دادند، این

بود که از تخریب پل‌ها، خطوط راه‌آهن و جاده‌ها

خودداری کنند. این امر موجب شگفتی سرلشکر

ارفع شد. بنابراین ارفع حدس زد که شاه قصد

مقاومت واقعی ندارد، بلکه فقط می‌خواهد یک

مقاومت ظاهری نشان بدهد... ارفع پیشنهاد

کرد پل‌های مهم خراب شود و پادگان نیرومند

تهران به استحکامات کوهستانی در غرب اراک

عقب‌نشینی کند، ولی شاه نظر او را رد کرد.»

رضاشاه می‌دانست که چاره‌ای جز تسلیم ندارد.

او دست به دامن آمریکایی‌ها شد تا برای حل

مشکل میانجیگری کنند، اما روزولت در پاسخ

به استمداد او به صراحت اعلام کرد: «هدف

بریتانیا، هدف ماست.» شاه ۸ شهریور ماه

۱۳۲۰، تصمیم به فرار گرفت. او فرمان ترک

مخاصمه را صادر کرده بود. با صدور این فرمان،

ارتشی که رضاشاه آن را وسیله تحقق ثبات و

استقلال ایران معرفی و سرمایه هنگفتی را به

خرج آن کرده بود، طی کمتر از چهار روز از هم

پاشید. پهلوی اول که نگران بود توسط نیروهای

شوروی اسیر شود، خود را تسلیم انگلیسی‌ها

کرد و به سمت اصفهان گریخت. در همین

شهر بود که تمام اموالی را که طی دوران ۱۶

ساله دیکتاتوری اش به چنگ آورده بود، در

ازای یک سرب نرات، به محمدرضا پهلوی هبه

کرد؛ رضاشاه که حدود ۲۰ سال قبل، در زمان

کودتای سیدضیاالدین طباطبایی، مال و

اموالی نداشت، در لحظه خروج از ایران، مالک

۶۸۰ میلیون ریال وجه نقد و بیش از ۵ هزار و

۲۰۰ پارچه ملک و آبادی در سراسر کشور بود.

این اموال، غیر از جواهرات سلطنتی است که

پس از تصاحب حکومت ایران، از خزانه قاجارها

به دست آورده بود.

تاریخ ۱۷۰۰ ساله لوله‌کشی آب در ایران



حتماً درباره این که انسان‌ها از چه دورانی به انتقال آب رودخانه‌ها برای توسعه کشاورزی می‌اندیشیدند، اطلاعاتی دارید؛ شاید درباره چگونگی آبیاری در سطوح شیب‌دار بابلی‌ها یا کانال‌های ویژه انتقال آب رومی‌ها که هنوز هم می‌شود بقایای آن را در ایتالیا پیدا کرد، چیزهایی شنیده باشید؛ اما مطمئناً می‌دانید که بسیاری از این تأسیسات، برای انتقال آب کشاورزی بوده است و دیرزمانی در بسیاری از سرزمین‌ها، تهیه آب شرب و رساندن آن به در منازل، دغدغه بسیاری از مردم و به ویژه شهرنشینان محسوب می‌شد. در واقع، مقوله لوله‌کشی آب شهری، یکی از مباحثی بود که کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت و شهری‌ها ناچار بودند همیشه برای تهیه آب خوردن مورد نیازشان، مبالغی را به سقاها یا میراب‌هایی که مسئولیت نگهداری از آب انبارها را به عهده داشتند، بپردازند.

مطابق یافته‌های تاریخی، نخستین بار ایرانیان به این فکر افتادند که آب آشامیدنی را در شهرها، به روشی غیر از روش مرسوم، به در خانه‌ها برسانند. انجام این کار، البته به دانش پایه مکانیک سیالات و دیگر دانسته‌های فنی پیشرفته نیاز داشت و همین موضوع بر اهمیت و شگفتی اقدام نیاکان ما، بسی می‌افزاید. در ایران عصر ساسانی، موضوع لوله‌کشی آب آشامیدنی در برخی از شهرها، به صورت جدی اجباری شد؛ مهندسان ایرانی، حفره‌هایی برای انتقال آب در دل سنگ‌ها ایجاد و سپس، مسیر انتقال آب را با ساروج محکم می‌کردند. مسیر انتقال، معمولاً کف‌پوشی محکم داشت که در برابر ساییدگی توسط آب، مقاوم بود؛ این کف‌پوش، پس از احداث، با روکشی بسیار مستحکم پوشانده می‌شد تا از آسیب عوامل طبیعی و جانوران در امان بماند. در مبادی ورودی شهر، آب به لوله‌های سفالی منتقل می‌شد که هم از آن بودند و هم به راحتی قابلیت تعویض داشتند.

این لوله‌ها، آب را تا میدان شهر و برخی نقاط پرجمعیت می‌رساند و در مسیر عبور از محلات، شعبه‌ای از آن به داخل منازل کشیده می‌شد که در هنگام نیاز، راه آن را باز می‌کردند و به قدر نیاز از آب بهره می‌بردند. طی مسیر انتقال، کوزه‌هایی برای ته‌نشین شدن لای احتمالی، تعبیه شده بود که گاه به گاه توسط میراب‌ها، واری می‌شد.

احتمالاً مسئولیت استفاده درست از آب آشامیدنی شهری هم بر عهده میراب‌ها و ناظرانی بود که توسط حکومت تعیین می‌شدند؛ هر چند در فرهنگ عمومی ایران باستان، آب از قداستی ویژه برخوردار و اسراف در مصرف آن، به شدت نکوهش می‌شد؛ به همین دلیل، کمتر پیش می‌آمد که شهروند ایرانی، به دلیل افراط در مصرف آب شهری، مواخذه شود.

واحد صفحه آرابی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ ☎ layout@khorasannews.com ✉

صفحه آرابی

آگهی مزایده عمومی مرحله سوم شرکت منحل‌ه در حال تصفیه تعاونی فنی و مهندسی

فنی و مهندسی راه‌داری و راهسازی نامن خراسان کد ۸۸۷۱ به شماره ثبت ۱۵۹۳۴

بدینوسیله به اطلاع میرساند این شرکت قصد دارد اموال منقول کار کرده خود را که متعلق به سهامداران میباشد بشرح ذیل به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار نماید. لذا از متقاضیان درخواست میگردد جهت دریافت اسناد مزایده در وقت اداری به دفتر شرکت تعاونی واقع در بزرگراه شهید کلانتری بین کلانتری ۲۲ و ۲۴ رسیده به دهخدا پلاک ۳۱۲ جنب باشگاه ورزشی مراجعه نمایند و جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای: ۰۳۸۷۸۸۱۰۱ و ۰۳۸۷۹۸۰۵۹ و ۰۹۱۵۴۸۴۰۲۹۵ در وقت اداری با آقای طینتی مسئول مالی شرکت تماس حاصل فرمایند.

مهلت دریافت اسناد: شنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۴ لغایت پایان وقت اداری دوشنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۶
مهلت ارسال پیشنهادات: پایان وقت اداری چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ میباشد.

تاریخ بازگشائی قیمتهای پیشنهادی و اعلام برنده مزایده: پنجشنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۹ میباشد.

شرایط:

- میزان ۱۰٪ سپرده تضمین شرکت در مزایده برابر قیمت پایه کارشناسی به حساب بانکی شماره ۰۱۰۲۵۸۱۴۵۹۰۰۹ بانک صادرات به نام شرکت تعاونی راه‌داری نامن خراسان یا شماره شبّا بانک صادرات ۰۰۱۰۲۵۸۱۴۵۹۰۰۹ به نام شرکت فوق‌الذکر واریز و ضمیمه فرم پیشنهادی گردد.
- در صورت مساوی بودن قیمتهای پیشنهادی اولویت واگذاری با سهامداران محترم میباشد.
- این شرکت در قبول یا رد یکی از پیشنهادات یا کلیه آنها مختار میباشد.
- در صورت انصراف نفر اول سپرده شرکت در مزایده ضبط و اولویت به ترتیب با نفر دوم و سوم میباشد.
- برنده مزایده حداکثر تا پایان وقت اداری ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ موظف به تسویه حساب و واریز وجه اعلامی به حساب شرکت و تحویل لوازم در خواستی میباشد.

شرح لوازم مورد نظر: الف: علائم جاده ای و تجهیزات ایمنی راه‌ها و دوربین نقشه برداری نیوو **ب:** ابزار و ماشین آلات و لوازم و قطعات کارگاهی **ج:** اقلام و لوازم اداری و مالی **د:** لوازم خانگی و ظروف آشپزخانه

هیئت تصفیه شرکت تعاونی راه‌داری و راهسازی نامن خراسان